



## سخنی درباره غفلت و عبرت/ بیشترین عبادت ابوذر چه بود؟

غلقت آسمان و زمین، تفاوت شب و روز، کشتی و حرکت آن در دریا، باریدن باران، حیات دوباره گیاهان بادها و ابرها و ... همه و همه آیات الهی هستند که باید درباره آنها اندیشه کنیم و درس بگیریم.

خبرگزاری مهر-غلقت آسمان و زمین، تفاوت شب و روز، کشتی و حرکت آن در دریا، باریدن باران، حیات دوباره گیاهان بادها و ابرها و ... همه و همه آیات الهی هستند که باید درباره آنها اندیشه کنیم و درس بگیریم.

این سوال وجود دارد که از چه چیزی نباید غفلت کرد و از چه چیزی می‌توان عبرت گرفت؟ قرآن کریم می‌فرماید: خلقت آسمان و زمین، تفاوت شب و روز، کشتی و حرکت آن در دریا، باریدن باران، حیات دوباره گیاهان بادها و ابرها و ... همه و همه آیات الهی هستند که باید درباره آنها اندیشه کنیم و درس بگیریم (بقره 164)

چنان که ذکر شد مطابق با جهان بینی الهی، در و دیوار و زمین و آسمان و همه چیز با ما حرف می‌زنند. به عبارت دیگر تمام پدیده‌ها، ظاهری دارند و باطنی، سخن گفتن از ظواهر می‌شود موعظه؛ و شنیدن سخن پدیده‌ها، یا عبور از ظاهر به باطن، می‌شود عبرت. و عبرت گیری کار ماست، کار دشوار اندیشه، و با این اندیشه و عبرت گیری است که آن موعظه کارکرد مؤثر می‌شود. اما اگر دنیا را دارای ظواهر و باطن ندانیم و یا از این ظواهر به دنبال باطنی نباشیم، اهل غفلت خواهیم بود.

امام صادق(ع) فرمود: بیشترین عبادت ابوذر که رحمت خدا بر او باد اندیشیدن و عبرت گرفتن بود و احادیث فراوانی که عبادت، به زیادی نماز و روزه نیست، بلکه به تفکر است و ساعتی تفکر از هفت سال یا هفتاد سال عبادت بهتر است و...

اگر قدری بیندیشیم، مشمول دعای خیر امیرمؤمنان علی(ع) می‌شویم که فرمود: رحمت خدا بر انسانی باد که بیندیشد و عبرت گیرد و بینا شود.

رحمت خدا که در حدیث فوق از آن یاد شده، چیزی عجیب و غریبی نیست، همان نتایج اندیشه و عبرت است که آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: هر که زیاد عبرت گیرد کمتر بلغزد و فرمود: عبرت گرفتن، عصمت و مصونیت (از گناه و خطا) به بار می‌آورد.

عبادت، آنگاه در تهذیب روح و تزکیه جان مؤثر است که عبادت کننده به مضامینش عارف و معتقد باشد و آنها را در ذهن خود حاضر کند، اما اگر در متن عبادت، غفلت داشته باشد دیگر راه برای تزکیه او نیست. غفلت به تعبیر ائمه (ع)، چرک روح است وقتی آینه شفاف دل را چرک بپوشاند چیزی را نشان نخواهد داد و اگر ما در متن عبادت، گرفتار غفلت و چرک شویم، راهی برای تهذیب روح نداریم. نمازهای پنج‌گانه شبانه روز برای نجات انسان از غفلت است و چون انسان در نماز هم به دام غفلت می‌افتد مأمور به خواندن نماز غفیله می‌شود و آن، نمازی است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می‌شود.

چون عده‌ای در صدر اسلام، بین نماز مغرب و عشاء استراحت می‌کردند و در فاصله بین دو نماز از یاد خدا غفلت می‌کردند، خداوند برای نجات از غفلت، این نماز را تشریع کرد و به غفیله موسوم شد.

در متون دینی ما حدیثی از لقمان حکیم نقل شده است که در مقام موعظه به فرزندش می‌فرماید: پسر! برای هر چیزی علامتی است که با آن شناخته می‌شود و به آن گواهی می‌دهد.... و غافل را سه نشانه است: سهو و لهو و فراموشی از نسیان. چیزهایی می‌دانیم و اجماً می‌فهمیم که #171؛ فراموشی علامت غفلت است؛ یعنی چه، اما سهو و لهو علامت غفلت است یعنی چه؟ اصلاً سهو و لهو یعنی چه؟ سهو عبارت است از خطای ناشی از غفلت که بر دو قسم است: اول این که انسان نقشی در ایجاد آن نداشته باشد. مثل دیوانه‌ای که به کسی ناسزا می‌گوید. این سهو مورد اغماض و گذشت قرار می‌گیرد. دوم این که انسان در ایجاد آن نقش داشته باشد مثل کسی که شراب بخورد و کار زشتی انجام دهد، کاری که در حالت عادی خود او هم انجام نمی‌داد این سهو مورد مؤاخذه است.

لهو چیزی است که انسان را از کار مهم مرتبط با او باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند. به عبارت دیگر لهو عبارت است از سرگرم شدن به امور جزئی و ناچیزی که انسان را از اهداف بلند باز دارد.

قرآن کریم مثال جالبی برای لهُو می‌زند: عده‌ای به جای اینکه از مردن مرده‌ها عبرت بگیرند، به این موضوع مشغول شدند که تعداد مرده‌های آنها بیشتر است یا تعداد مرده‌های فلان قبیله!

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در خطبه 221 نهج البلاغه اشاره به این آیات می‌فرماید: جسد آن مرده‌ها سزاوارتراند که سبب عبرت شوند تا مایه افتخار، دنیا بازیچه و لهُو است، یعنی ما را به خود مشغول می‌کند و از امر مهمی به نام آخرت باز می‌دارد و مردان الهی چنان‌اند که خرید و فروش (و هرگونه داد و ستد دنیایی از جمله تعلیم و تعلم) آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد.